

عفاف در احکام عبادی

محمد اسحاقی^۱، محمدمهدی هادوی فر^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۰/۲۴)

چکیده

یکی از مهمترین اصول و فضایی که در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته، اصل عفت و پاکدامنی است. در احکام اسلامی علاوه بر اینکه دستورات اکیدی برای رعایت عفاف وجود دارد و با ناقضان و حریم شکنان آن برخورد می‌شود، نسبت سایر احکام نیز با عفاف تبیین شده است؛ به گونه‌ای که انجام احکام، متضمن رعایت و تحکیم عفاف در بعد فردی و اجتماعی می‌شود. در بررسی‌های انجام شده، ضمن تبیین مبانی عفاف و آثار و پیامدهای آن، احکام گوناگون عبادی که متضمن عفاف بوده‌اند، شناسایی و تبیین و تشریح شد. نسبت عفاف با احکام شرعی، از سه صورت بشرطلا، لابشرط و بشرطیء خارج نیست. با تتبع در ابواب گوناگون فقهی و احکام مختلف شرعی بویژه عبادی، در موضوعات مختلف مانند: طهارت، نماز، حج، نکاح، طلاق و حدود و... موردی از بشرطلا و یا عدم عفاف یافت نشد. از طرف دیگر مصادیق متعددی از جلوه‌های عفاف در ابواب مختلف فقهی از جمله عبادی یافت می‌شوند، به گونه‌ای که رعایت اصل عفاف در آنها اخذ شده است و غالباً این موارد را می‌توان در احکامی که بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، یافت. در برخی از احکام شرعی هم هر چند جلوه‌ای از عفاف در آنها دیده نمی‌شود، ولی به معنای عدم ضرورت عفاف در آنها نیست.

واژگان کلیدی: احکام شرعی، حجاب، عفاف، مصادیق عفاف.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: m.eshaghi.a@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران؛
Email: Hadavifar58@gmail.com

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

وجود قانون از ضروریات زندگی اجتماعی است و انسان‌ها برای تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد زمینه برای توسعه و پیشرفت نیاز به ضوابط و مقررات و احکامی دارند. قوانین و احکام، یا از قراردادهای اجتماعی بدست می‌آید و یا اینکه دارای ریشه الهی است. احکام و قوانین الهی نسبت به قراردادهای اجتماعی - که منشا الهی ندارند و تنها بر خواست و تمایل انسان‌ها استوارند - ارجحیت دارند؛ زیرا قوانین الهی ۱- جامعیت دارند، ۲- با عقل و فطرت انسان هماهنگ است، ۳- تأمین‌کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت‌اند، ۴- از علم لایتناهی خداوند سرچشمه می‌گیرد، ۵- هواها و هوس‌ها، غرائز، محدودیت‌ها و گرایش‌های سیاسی راهی ندارد. از سوی دیگر قوانین الهی تضمین‌کننده اهداف اسلام هستند و هیچ‌کدام با هم تعارض ندارند. همچنین در احکام الهی - از جمله احکام و قوانین مالی و تجاری - جنبه‌های اخلاقی و معنوی نیز وجود دارد.

یکی از مهمترین فضایل اخلاقی که در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته، عفت و پاکدامنی است. با تتبع در کلیه ابواب فقهی و احکام شرعی، در موضوعات مختلف مانند: طهارت، نماز، حج، نکاح، طلاق و حدود و... مصادیق متعددی از عفاف یافت می‌شوند و غالباً این موارد را می‌توان در احکامی که بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، جستجو کرد. به عنوان مثال؛ در رکوع برای زن‌ها مستحب است که دست‌ها را به بالای زانوها بگذارند؛ به دلیل روایتی که در این خصوص وارد شده است. همچنین «تخویه» برای مردان مستحب است؛ اما برای زنان مستحب آن است که ابتدا زانوها را به سجده بگذارند و دست‌های خود را در زمین پهن کنند، زیرا این کار زن را می‌پوشاند. نمونه‌ی دیگر در کتاب حدود، برای اجرای تازیانه مرد باید ایستاده و برهنه، در حالی که عورت او پوشانیده شده است، تازیانه بر او جاری شود. ولی در مورد زن درحالی که نشسته و لباس‌های او بر بدنش بسته شده است تازیانه بخورد، تا اینکه بدن زن نمایان نشود، چرا که همه بدن زن باید از چشم نامحرم پوشیده بماند. در این مثال‌ها و موارد متعددی دیگر در سراسر فقه می‌توان حکمت این تفاوت‌ها را توجه خاص شارع مقدس به اصل عفاف در تشریح احکام شرعی دانست. از طرفی دیگر مواردی همچون ۱- حفظ و تحکیم بنیان خانواده؛ ۲- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی؛ ۳- سلامت نفس و نسل؛ ۴- سلامت اخلاقی جامعه؛ ۵- جلوگیری از فساد و تباهی و ارتکاب جرائم گوناگون

۶- حفظ امنیت زنان، از جمله آثار و پیامدهای عفاف‌اند و لذا دارای اهمیت است. هرچند در خصوص عفاف پژوهش‌های فراوانی انجام گرفته است، ولی تحقیقی از این نوع که به بررسی احکام شرعی در ابواب مختلف فقه از منظر جلوه عفاف و توجه به آن انجام نگرفته و از این جهت پژوهشی نو محسوب می‌شود.

۲- مفاهیم و اصطلاحات

۲-۱- مفهوم عفاف: واژه‌ی «عَفَافٌ» مصدر ماده‌ی «عَفَّ» است و مصدر دیگر آن «عَفَّهَ» است و این دو دقیقاً به یک معنا می‌باشند و بجای یکدیگر نیز بکار می‌روند. تعاریفی که برای عفت در کتاب‌های لغت ذکر شده، اندکی با یکدیگر متفاوت‌اند. با این حال معنای «خودداری کردن و خویشتن‌داری» در آنها به طور مشترک وجود دارد. [۵، ج ۹، ص ۲۵۳]؛ [۱۹، ج ۵، ص ۱۰۲]، [۴، ج ۴، ص ۳]، [۳۱، ص ۷۹] آورده‌اند، در ادب پارسی نیز عفاف به معنای پارسایی، پرهیزگاری، پاکدامنی [۱۷، ج ۱۰، ص ۸۱.۱۴] و خویشتن‌داری [۳۰، ج ۲، ص ۲۳۱۹] آمده است. آن‌چنان‌که در کلام برخی از فقها آمده است، «عَفَّت» در فقه به معنای «عدم تظاهر به زنا یا لواط» آمده است. [۷، ج ۱۶، ص ۴۳ و ۴۴]، [۳۳، ج ۲، ص ۴۷۴]

۲-۲- رابطه عفاف با حیا: شرم و حیا، که از ارزش‌های طبیعی انسان و نشانه‌های ایمان شمرده می‌شود رابطه‌ی وثیقی با عفاف دارد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ» [۲۹، ج ۷۸، ص ۱۱۱] یکی از دلایل اصلی وجود حیا در انسان، حفظ عفت و کنترل شهوت است. امام علی (علیه‌السلام) حیا را میوه و ثمره عفت معرفی می‌کند: «الْحَيَاءُ ثَمَرَةُ الْعِفَّةِ». [۳، ص ۲۵۷] بنابراین میان این دو فضیلت و صفت اخلاقی، رابطه طرفینی وجود دارد که ضعف و شدت هر کدام، بر دیگری تأثیر می‌گذارد. با این حال در تمایز دو مفهوم عفاف و حیا باید گفت عامل بازدارنده در عفاف، درونی و نفسانی است اما در مورد حیا، عامل بیرونی (شاهد و ناظری که وجود دارد) موجب حیا می‌شود؛ زیرا در مفهوم حیا، ترس از عیب و ترس از نکوهش و سرزنش ذکر شده بود و غالباً این امور باعث حیاورزی می‌شوند.

۲-۳- حجاب و رابطه آن با عفاف: در کتب لغت برای واژه‌ی «حجاب» معانی همچون پرده، چادر، روپوش، روبند و آنچه با آن چیزی را بپوشانند و چیزی که مانع بین دو چیز دیگر باشد، آمده است. پوشش [۵، ج ۲، ص ۲۹۸] و یا چیزی که بین بیننده و آنچه که می‌بیند حائل می‌شود، [۱۹، ج ۲، ص ۳۴] آمده است. هر چند ممکن

است برخی، عفاف را معادل حجاب به کار برند، ولی تفاوت روشنی بین آنها است بدین گونه که حجاب یک امر ظاهری و بیرونی است و لکن عفاف حالتی نفسانی و درونی است که هریک بر دیگری تاثیر متقابل دارند.

۴-۲- حکم شرعی: آن چه را که شارع مقدس برای موضوعات مختلف اعتبار کرده است، حکم شرعی گویند، اعم از احکام خمسه تکلیفیه و احکام وضعی؛ مانند وجوب، حرمت، ملکیت، زوجیت، پاکی، ناپاکی و ضمان.

نسبت حکم شرعی با عفاف

به طور کلی نسبت احکام شرعی به عفاف به سه نحوه قابل تصور است؛ یا عفاف در احکام اخذ شده‌اند (بشرط شیء)، یا مخالف عفاف‌اند (بشرط لا) و یا احکام شرعی نسبت به عفاف بی تفاوت و ممتنع هستند (لابشرط)، که مورد اخیر از بحث ما خارج است. در ارتباط با مورد دوم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا ممکن است شارع مقدس احکامی را برای بندگان صادر کرده باشد که مخالف عفاف باشد؟ که مسلماً پاسخ منفی است و از نظر عقل چنین امری امکان پذیر نیست؛ زیرا فقها در موارد زیادی با استناد به آیات قرآن و روایات، رعایت عفاف را واجب دانسته و در موارد متعددی نیز رعایت عفاف را مستحب می‌دانند و لذا وجود احکام شرعی که مخالف با عفاف است، منتفی است.

۵-۲- عبادات: مراد از «عبادات» عبادات به معنای اعم است و آن عباداتی است که در دین، قصد قربت به عنوان جزء یا شرط صحت آن، قرار داده نشده، ولی آن عمل قابلیت دارد که قصد قربت با آن همراه شود، در صورتی که عبادات به معنای اخص حتماً منوط به قصد قربت است که اگر بدون آن عمل انجام شود باطل است مانند؛ نماز، روزه، خمس، زکات و حج. بر این اساس جلوه‌های عفاف در چند مبحث به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- مسائل باب طهارت

۱-۳- کیفیت تخلی

در متون فقهی آمده است که: «در حال تخلی مانند سایر اوقات پوشاندن عورت از ناظر محترم (غیر از کودک غیرممیز) مرد یا زن حتی دیوانه و طفل، که تشخیص می‌دهند، واجب است.» [۳۳، ج ۱، ص ۱۷؛ ۳۸، ج ۱، ص ۱۲۳] و این مسأله مورد

اختلاف هیچ کدام از فقهای اسلام اعم از امامیه و غیر آن نیست. این مسأله در نزد علمای اسلام نیز اجماعی است؛ بلکه ایشان وجوب ستر عورت را فی الجمله امری بدیهی و ضروری در دین می‌داند [۱۸، ج ۲، ص ۱۸۵]. [۹، ج ۱، ص ۱۹۹]

۲-۲- کیفیت وضو گرفتن زن و مرد

فقیهان درباره وضو گرفتن زن در جایی که نامحرم او را می‌بیند، می‌گویند: «هرگاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را ببیند، وضوی او باطل نیست؛ [۳۸، ۱: ۱۷۳] هر چند گناه کرده است. [۳۲: ۴۰] براساس آیهی «وَلَا يُدِينَنَّ زَيْنَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱) و روایاتی [۲۶، ج ۵، ص ۵۳۵ و ۲۹، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲] که بدن زن را «عورة» (یعنی بی‌حفاظ و ناامن و آسیب‌پذیر) می‌داند، بنابراین زنان مکلفاند که در برابر نامحرم، حجاب کامل را رعایت کنند و نباید در منظر مرد نامحرم وضو بگیرند. حتی مرحوم محقق خوبی معتقد است: در یک صورت وضو گرفتن زن در برابر نامحرم صحیح نیست و آن اینکه: اگر مکان وضو گرفتن زن، منحصر به یک مکان (که آن هم در منظر نامحرم است) باشد، در این صورت باید زن در جایی که نامحرم او را نبیند، تیمم کند. (همو: ۱۷۳)

۳-۳- اعتبار مماثلت در غسل میت

با استفاده از روایات، در کلام فقها چند مسأله درباره وضو گرفتن میت ذکر شده است که در آنها به موضوع عفاف (حتی نسبت به مردگان) توجه شده است.

- ۱- واجب است که غسل دهنده میت، در ذکوریت و انوثیت مثل میت باشد. بنابراین مرد نمی‌تواند زن را غسل دهد؛ همچنین زن نمی‌تواند مرد را غسل دهد، مگر زن و شوهر که هر کدام می‌تواند دیگری را غسل دهد، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر ضرورتی نیست این کار را نکنند. در روایت نیز آمده است که منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام پرسید: «عَنِ الرَّجُلِ يُسَافِرُ مَعَ امْرَأَتِهِ فَتَمُوتُ أَوْ يُغَسِّلُهَا قَالَ نَعَمْ وَ أُمَّهُ وَ أَخْتَهُ وَ نَحْوَهُمَا يُلْفِي عَلَى عَوْرَتِهَا خِرْقَةً وَ يُغَسِّلُهَا»؛ [۳۴، ج ۱، ص ۱۵۵]
- ۲- اگر مردی برای غسل دادن میت مرد پیدا نشود، زنانی که با وی نسبت دارند و محرم هستند (مانند مادر، خواهر، عمه و خاله) یا در اثر شیر خوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند از زیر لباس یا چیزی که بدن را می‌پوشاند، میت را غسل دهند.
- ۳- اگر زنی برای غسل دادن میت زن پیدا نشود، مردهایی که با او نسبت دارند و

محرم هستند یا در اثر شیر خوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند میت را از زیر لباس او غسل دهند و موضوع عفاف آن قدر اهمیت دارد که حتی در مواردی غسل دادن میت نیز ساقط می‌شود و لسان روایات این است که میت برای حفظ عفاف با لباس خودش و بدون غسل تجهیز می‌شود. همانند: «روایت سماعة بن مهران از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) [همان].»

۳-۴- کیفیت تکفین میت

در بررسی انجام شده در مبحث تدفین میت، مواردی در کلام فقها ذکر شده است که در آن‌ها رعایت اصل عفاف دیده می‌شود.

۱- برای میت زن، بستن مقنعه مستحب است؛ در مقابل برای میت مرد هم، مستحب است عمامه‌ای دور سرش پیچیده شود. شهید ثانی [۲۲، ج ۱، ص ۵۹] علت این حکم را برای زنان پوشاندن سر آن‌ها (که شاید نوعی تشبیه به حالت حیات باشد) ذکر نموده است.؛ [۹، ج ۳، ص ۹؛ ۲۰، ج ۱، ص ۳۲۴، ۲۶، ج ۳، ص ۱۴۷].

۲- برای میت زن مستحب است، لفافه‌ای (به عنوان سینه بند) روی پستانهای وی بگذارند (شبهه به آنچه که زنان در حال حیات به عنوان لباس اختصاصی می‌پوشند) و دو طرف آن را از پشت ببندند. مستند این حکم روایت مضمراهی است که در کتاب‌های حدیث وارد شده است؛ که راوی می‌گوید؛ از امام (ع) سؤال نمودم: زن چگونه کفن می‌شود؟ حضرت فرمود: همانند مرد کفن می‌شود و علاوه بر آن، با پارچه‌ای پستانهایش به سینه‌اش بسته می‌شود و دو طرف آن را از پشت می‌بندند. برخی از فقها این حکم را به تحفظ اندام زن و آشکار نشدن حجم سینه‌های وی تعلیل نموده‌اند. [۳۵، ج ۴، ص ۷۲۹] و این بیانگر اوج اهتمام شارع مقدس نسبت به لزوم تحفظ و پوشاندن اندام زن، (حتی نسبت به زمانی که از دنیا رفته است) می‌باشد.

۳-۵- کیفیت تدفین میت

یکی از مسائلی که در آن‌ها بین زنان و مردان تفاوت وجود دارد، نحوه تدفین میت است که این تفاوت بیانگر اهمیت رعایت عفاف در مورد زنان است، که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۱- مستحب است اگر میت مرد است، از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر میت زن

است، به پهنا وارد قبر کنند. بعضی از فقها این حکم را اجماعی دانسته، و صاحب جواهر نیز می‌گوید: من نیز اختلافی در این مسأله ندیده‌ام. [۳۵، ج ۴، ص ۲۸۳] مستند این حکم روایتی از امام صادق (ع) است، که فرمود: «إِذَا أُدْخِلَ الْمَيِّتُ الْقَبْرَ إِنْ كَانَ رَجُلًا يُسَلُّ سَلًّا وَ الْمَرْأَةُ تُؤَخِّدُ عَرَضًا فَإِنَّهُ أُسْتَرُّ.» [۲۰، ج ۱، ص ۳۲۵]؛ هنگامی که زن را به صورت عرضی در قبر قرار می‌دهند، این کار در زنان برای رعایت اصول عفت و مستور و پوشیده‌تر بودن است.

۲- مستحب است در صورتی که میت مرد باشد، یک نفر بیگانه داخل قبر برود و مکروه است توسط اقارب و نزدیکان داخل قبر قرار داده شود. ولی در صورتی که میت زن باشد، مستحب است توسط همسر یا یکی از محارم داخل قبر گذارده شود. مستند این حکم روایاتی از امام صادق (ع) است، که حضرت از امیر المؤمنین علی (ع) نقل می‌کنند که فرمود: سنت رسول خدا بر این قرار گرفته است که، کسی داخل قبر زن نمی‌شود، مگر کسی که در حال حیات زن او را می‌بیند. (یعنی محرم زن باشد). [همان]

۴- مسائل باب صلاة

۴-۱- پوشش و کیفیت آن در حال نماز

۴-۱-۱- پوشانیدن بدن در نماز

یکی از ابعاد عفاف، عفاف در پوشش است که بر مرد واجب است در حال نماز، اگر چه کسی او را نمی‌بیند عورتین خود را بپوشاند. دلیلی که بر وجوب ستر عورتین در باره‌ی مردها مورد استناد قرار گرفته، اجماع و روایات است. [۲۳، ج ۲، صص ۱۶۵ و ۳۶، ج ۴، ص ۳۸۷]

۴-۱-۲- کیفیت پوشش زنان در نماز

در باره‌ی محدوده‌ی پوشش زنان در حال نماز، نظراتی از سوی فقیهان مطرح شده است: گروهی از علما، تمام بدن زن را، به جز چهره‌ی او، از محدوده حکم پوشش می‌دانند [۳۵، ج ۸، ص ۱۶۳] عده‌ای از فقهاء، چهره و دو دست و ظاهر دو قدم پا را از حکم پوشش جدا کرده‌اند. مانند شهید اول که، پوشاندن همه بدن، به جز چهره و دو دست و ظاهر دو پا را برای زن، در نماز واجب می‌داند. شهید ثانی نیز، در شرح مطالب ایشان، پس از بیان دیدگاه شهید اول، پوشاندن بخشی از چهره و دست و پا را از باب مقدمه واجب می‌داند. [۲۲، ج ۱، ص ۹۰]، [۱۲، ج ۱، صص ۲۵-۱۲۴]

روایاتی که در این زمینه مورد استناد است، دلالت دارد بر اینکه، یک پیراهن برای زن در حال نماز کافی نیست، بلکه حداقل باید دو تا لباس که تعبیر به درع و مقنعه شده، باشد؛ مانند روایت صحیحۀ محمد بن مسلم از امام باقر (ع) که فرمود: «وَأَلْمَرَّةُ تُصَلِّي فِي الدَّرْعِ - وَ الْمِقْنَعَةِ إِذَا كَانَ الدَّرْعُ كَثِيفًا يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيرًا.» (۹، ۴: ۳۸۷)؛ و زن نماز می‌خواند در درع و مقنعه اگر آن درع ضخیم باشد». منظور از «درع» لباس بلندی است که همه بدن را بپوشاند و مقنعه که برای پوشاندن موی سر به کار می‌رود.

۴-۱-۳- مکان نمازگزار

۴-۱-۳-۱- مسجد زنان

در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است، که نماز را در مسجد بخوانند؛ ولی فقهاء بزرگوار می‌فرمایند: برای زن‌ها نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است در مسجد نماز بخوانند. مستند این حکم روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ.» [۹، ج ۵، ص ۲۳۷] بهترین مساجد زنان شما خانه‌ها هستند. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحْدَهَا فِي بَيْتِهَا - كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ دَرَجَةً» (همو)؛ علت فضیلت نماز خواندن زنان در خانه این است که، زنان از نگاه و مواجهه‌ی با نامحرمان، مصون و محفوظ بمانند؛ به همین جهت هر جایی که مصونیت بیشتری را برای زنان در پی دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. لذا برخی از مراجع عظام فرموده‌اند: برای زنان بهتر آن است که نماز خود را در جایی بخوانند که از دیگر جاها در محفوظ بودن از نامحرم مناسبتر باشد، خواه اینجا خانه باشد یا مسجد یا جای دیگر. [۳۳؛ ج ۱، ص ۵۰۰]

۴-۱-۳-۲- برابر ایستادن زن و مرد در نماز

در هنگام اقامه نماز چه به صورت جماعت یا فردی، زن باید متأخر از مرد باشد و اگر خواست در محاذی و موازی با مردی نماز بخواند، باید رعایت فاصله ده زراعی از مرد را نموده یا پرده و حاجبی بین این دو باشد، اما اینکه این عمل باعث بطلان نماز است یا صرفاً مکروه؛ مشهور فقهاء حکم به کراهت نماز نموده‌اند. ولی برخی از فقهاء، فتوا به بطلان هر دو، یا کسی که بعد شروع کرده، داده‌اند و لازم می‌دانند که زن باید عقب‌تر از مرد بایستد.

فائین به قول حرمت نماز به روایاتی تمسک جستند، که یک مورد ذکر می‌شود: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَقِيمُ لَهُ أَنْ يُصَلِّيَ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ امْرَأَةٌ تُصَلِّيَ قَالَ لَا يُصَلِّي حَتَّى يَجْعَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ أَدْرُعٍ وَ إِنْ كَانَتْ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ جَعَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا مِثْلَ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَتْ تُصَلِّي خَلْفَهُ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ كَانَتْ تُصِيبُ تَوْبَهُ وَ إِنْ كَانَتْ الْمَرْأَةُ قَاعِدَةً أَوْ نَائِمَةً أَوْ قَائِمَةً فِي غَيْرِ صَلَاةٍ فَلَا بَأْسَ حَيْثُ كَانَتْ.» [۲۰، ج ۲، ص ۲۳۱]؛

صرف نظر از اختلاف نظر فقها در این مسأله [عدم جواز تقدّم زن هنگام نماز بر مردان و یا محاذات با ایشان]، شاید بتوان گفت که این مسأله نیز به بحث عفاف مرتبط است؛ به این معنی که وقتی زن و مرد نماز می‌خوانند و زن در موازی با مرد، یا جلوتر از مرد قرار دارد، (که معمولاً زن در این حالت در منظر مرد قرار دارد) فقها فتوا به کراهت یا حرمت می‌دهند؛ اما هنگامی که زن عقب‌تر از مرد قرار بگیرد و یا موازی با مرد باشد، ولی پرده و حاجبی بین آنها باشد و یا فاصله‌ی ده زراعی را رعایت کرده باشند، (که نوعاً زن در این حالت از دید مرد دورتر است) نماز خواندن آنها، از حکم حرمت و یا کراهت خارج است.

۴-۱-۴- کیفیت جهر و اخفات در نماز

آنچه مسلم است این است که بلند خواندن حمد و سوره در نمازهای صبح، مغرب و عشاء بر مردان واجب است، یعنی مرد باید در این موارد طوری نماز بخواند که صدایش جوهر داشته باشد، ولی بنابر قول مشهور فقها، بلند خواندن حمد و سوره نمازهای صبح، مغرب و عشاء بر زن واجب نیست و می‌تواند در این موارد، نماز را به اخفات بخواند. اصل سقوط جهر در نماز از سوی زنان از مسلمات فقه بوده، و زنان می‌توانند در نمازهای جهریه حمد و سوره را به اخفات بخوانند و یا اگر مفسده‌ای نبود، می‌توانند به جهر بخوانند. ظاهراً تنها روایتی که به این مسأله اشاره دارد، روایتی است که از کتاب «قرب الاسناد» نقل شده که طی آن علی بن جعفر (برادر امام کاظم علیه‌السلام) می‌گوید: «سَأَلْتُهُ عَنِ النِّسَاءِ هَلْ عَلَيَّهِنَّ الْجَهْرُ بِالْقِرَاءَةِ - فِي الْفَرِيضَةِ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً تَوْمُ النِّسَاءِ - فَتَجْهَرُ بِقَدْرِ مَا تَسْمَعُ قِرَاءَتَهَا.» [۹، ج ۶، ص ۹۵]؛

به هر حال، همین که شارع مقدس در نمازهای جهریه، وجوب جهر را از زنان برداشته است، می‌توان گفت، که شارع مقدس نسبت به صدای زنان (اگر چه در حال نماز باشد) حساس بوده، به این نحو که وجوب جهر را از آنها برداشته است. بیان این مسائل از سوی فقها که برگرفته از روایات است، حاکی از این است که: در قرائت نماز نیز عفاف در احکام برای زنان لحاظ شده است.

۴-۱-۵- کیفیت اذان و اقامه

اذان اعلام: همان طور که از نامش پیداست، این اذان برای اطلاع یافتن مردم از دخول وقت نماز و یا طلوع فجر «به جهت امساک و آغاز روزه» و یا غروب شرعی «به جهت جواز افطار» است. فقها، مرد بودن مؤذن را در اذان اعلام، معتبر دانسته‌اند، به جهت اینکه روایات مربوط به این گونه اذان، به صورت مذکر آمده و اختصاص به مردان داشته، مانند روایت امام صادق (ع): «... وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يُؤَذَّنَ بِهِ - إِلَّا رَجُلٌ مُسْلِمٌ عَارِفٌ...» [۹، ج ۵، ص ۴۳۱] که دلالت بر متعارف نبودن این گونه اذان توسط زنان به سیره قطعی مسلمین و متشرعین می‌نماید؛ بلکه این اذان از جانب مردان متعارف بوده و آنچه برای زنان متعارف است، این است که مردان نامحرم صدای آنها را نشنوند و زنان جانب حیا و عفاف را در این زمینه رعایت کنند. [۳۵، ج ۹، ص ۵۳]

اذان و اقامه برای نماز: اذان و اقامه در نماز جمعه و نمازهای واجبه‌ی یومیّه، چه ادا باشد یا قضا، فرادا باشد یا جماعت، برای مرد و زن مستحب است؛ ولی همان طور که در متون فقهی آمده، این حکم برای زن (در صورتی که مرد نامحرم صدایش را می‌شنود)، مشروط به آن است که اذان و اقامه را آهسته بگوید و اگر نامحرم صدایش را نمی‌شنود، در آهسته خواندن و بلند خواندن آنها مخیر است؛ گرچه در هر صورت آهسته خواندن اذان و اقامه برای زنان بهتر است. همان طور که فقها در اذان اعلام، مرد بودن مؤذن را معتبر می‌دانند، برای اذان و اقامه نماز نیز، مرد بودن مؤذن و مقیم را در جماعت مردان (نامحرم) شرط دانسته‌اند؛ ولی زن برای خودش و در حضور زنان و مردان محرم، می‌تواند اذان بگوید. [۹، ج ۱، ص ۹۴] و هنگامی که زنان دیگر یا مردان محرم اذان زن را بشنوند، برای آنها جایز است که به همان اذان زن اکتفا کنند؛ [۲۲، ج ۱، ص ۵۷۵] اما فقها، اکتفا کردن مرد نامحرم به اذان زن را، جایز نمی‌دانند. [۲۷، ج ۱، ص ۱۲۰]

۴-۱-۶- کیفیت قیام در حال نماز

در قیام نماز احکامی وجود دارد که در آنها بین زن و مرد تفاوت وجود دارد و همین متفاوت بودن احکام بین زنان و مردان در هنگام قیام، حاکی از وجود اصل عفاف در احکام شرعی است که ذیلاً تبیین می‌شود.

مستحب است اگر نمازگزار مرد است، هنگام قیام و ایستادن، پاهای او از سه انگشت باز، تا یک وجب فاصله دهد و اگر زن است، پاهای او به هم بچسباند. به نظر می‌رسد اینکه

چسباندن و جفت کردن پاها به یکدیگر برای زنان مستحب قرار داده شده، این امر برای زن‌ها مطلوب و مناسب بوده و توجه و رعایت این حکم استحبابی به تحفظ اندام آنها در حال نماز، کمک خواهد کرد. بر اساس متون فقهی، بر زن‌ها مستحب است که در حال ایستادن، در عین انداختن دست‌ها به پهلوها، بازوها را به سینه‌ها نزدیک نماید، به نحوی که برآمدگی سینه‌ها، به وسیله بازوها پوشیده شود که می‌تواند تأکیدی بر لزوم ستر و اخفاء، در مورد اندام زنان باشد. [۲۳، ج ۳، ص ۴۹]. ولی مستحب است، مردها دست‌ها را روی ران‌ها بگذارند.

۴-۱-۷- کیفیت رکوع زنان

در رکوع، مستحب است مردها زانوها را عقب بدهند و به گونه‌ای خم شوند که پشت ایشان برابر شود، در روایت نیز آمده است: «وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا رَكَعَ لَوْ صَبَّ عَلَى ظَهْرِهِ مَاءٌ لَأَسْتَقَرَّ» [۹، ج ۶، ص ۳۲۴]؛ اما در رکوع، برای زنان مستحب است که بسیار خم نشوند، و دست‌ها را بر بالای زانوها (بر ران) بگذارند و بر زانوها نگذارند و زانوها را نیز به عقب ندهند. مستند این حکم استحبابی برای زنان همان روایت زراره از امام باقر (ع) است که حضرت فرمود: «فَإِذَا رَكَعَتْ وَضَعَتْ يَدَيْهَا فَوْقَ رُكْبَتَيْهَا عَلَى فَخْذَيْهَا لِيَلَّا تَطَّاطَأَ كَثِيرًا فَتَرْتَفِعَ عَجِيزَتُهُا» [۲۵، ج ۲، ص ۳۵۵]؛ «هنگامی که زن به رکوع می‌رود دست‌ها را بالای زانو (ران) می‌گذارد تا زیاد خم نشود، و نشیمنگاه او برجسته نشود». در این مورد رعایت عفاف، عمل نمودن بانوان به این حکم استحبابی است.

۴-۱-۸- کیفیت سجده زنان

۴-۱-۸-۱- نحوه‌ی رفتن به سجده

برای مردان مستحب است در هنگام رفتن به سجده، ابتدا دست‌ها را به زمین گذارده و سپس زانوها را و بعد از آن، به سجده روند. روشن است که اینگونه سجده رفتن، موجب خم شدن کمر و برجسته شدن نشیمنگاه می‌شود و اگر زنان با این حالت به سجده روند برای آنها مناسب نیست؛ به همین جهت به زنان توصیه شده، برای جلوگیری از این حالت مستقیماً به سجده نروند، بلکه برای زن‌ها مستحب است پس از رکوع، برای رفتن به سجده، اول راست بنشینند سپس به سجده روند. این مسئله در روایت زراره نیز آمده است که امام باقر (ع) فرمود: «وَ إِذَا سَقَطَتْ إِلَى السُّجُودِ بَدَأَتْ بِالْقُعُودِ بِالرُّكْبَتَيْنِ قَبْلَ

الْيَدَيْنِ ثُمَّ تَسْجُدُ لَأَطِيَّةٍ بِالْأَرْضِ» [همان]؛ «و هنگامی که زن به سجده می‌رود ابتدا برای نشستن قبل از دست‌ها، زانوهایش را به زمین می‌گذارد و بعد به صورت چسبیده و بر زمین به سجده می‌رود».

۴-۱-۸-۲- تجمیع در سجده

مستحب است مردها در سجده، آرنج‌ها و شکم را به زمین نچسبانند و بازوها را از پهلوها جدا نگاه دارند؛ (و در مقابل برای زن‌ها مستحب است آرنج‌ها و شکم را بر زمین بگذارند و اعضای بدن را به یکدیگر بچسبانند. و عبارت «ثُمَّ تَسْجُدُ لَأَطِيَّةٍ بِالْأَرْضِ» که در روایت زراره ذکر شده، بیانگر همین مسأله است. شهید ثانی درباره علت استحباب این حکم (که برای زنان مستحب است دست‌های خود را روی زمین پهن کنند) می‌فرماید: این کار زن را می‌پوشاند. [۲۲، ج ۱، ص ۶۲۲]

۴-۱-۸-۳- کیفیت انتقال از سجده به حالت قیام

برای زنان مستحب است (پس از سجده یا تشهد) دست‌ها را در دو طرف خود روی زمین گذارده، بدون اینکه پشت خود را بلند نمایند، مستقیم برخیزند؛ توضیح این مسأله با بیان آنچه مربوط به مردان است، روشن‌تر خواهد شد؛ زیرا برای مردان مستحب است در هنگام برخاستن، ابتدا زانوها و سپس دست‌ها را از زمین بردارند. در مقابل به زن‌ها توصیه شده، به گونه‌ای بایستند که کمتر حجم بدن آنها ظاهر شود. مستند این حکم نیز همان حدیث زراره است که امام باقر (ع) فرمود: «وَ إِذَا نَهَضَتْ أَنْسَلَتْ أَنْسِلًا لَأَنْ تَرْفَعُ عَجِيزَتَهَا أَوْلًا» [۲۵، ج ۲، ۳۵۵]؛ «و هنگامی که زن بلند می‌شود، دو دستش را در دو طرفش می‌گذارد نه اینکه اول پشتش را بلند کند». بنابراین هنگام بلند شدن برای زنان، سنت این است که، به تدریج و راست بایستند؛ نه به گونه‌ای که در موقع بلند شدن، خم شده و نشیمن‌گاه خود را بلند کنند و جلب‌نظر نمایند.

۴-۱-۹- کیفیت جلوس و تشهد و سلام زنان

مستحب است که مردها در حال تشهد و سلام و بین دو سجده به حالت «تورک» بنشینند. به این صورت که روی پای چپ خود بنشینند و روی پای راست خود را بر کف پای چپ خود بگذارند. اما برای زنان مستحب است در حال تشهد و سلام یا بین دو

سجده، زانوها را بالا آورده و روی قسمت بالای ران‌ها بنشینند. این مسأله نیز در روایت زراره آمده است که امام باقر (ع) فرمود: «وَ إِذَا جَلَسَتْ فَعَلَى أَلْيَتَيْهَا لَيْسَ كَمَا يَقْعُدُ الرَّجُلُ» [همان]؛ به هر حال، در هنگام تشهد و سلام یا بین دو سجده، برای زنان سنت این است که ران‌ها را به هم بچسبانند و زانوها را از زمین بردارند و بر البتین خود بنشینند؛ زیرا این نحو نشستن برای زنان مطلوب‌تر و مناسب‌تر است و کمتر جلب نظر دیگران را موجب می‌شود.

۴-۱-۱۰- نماز جماعت

۴-۱-۱۰-۱- امامت نماز جماعت توسط زن

در اینکه زن نمی‌تواند امامت مردان را در نماز جماعت به عهده گیرد، جای تردید نیست. اما در مورد امامت نماز جماعت زنان توسط زن، دو نظر وجود دارد. برخی از فقها، امامت زن برای زنان در نمازهای واجب را نامشروع دانسته یا در صحت آن اشکال کرده‌اند و برای اثبات سخن خود به برخی روایات استناد نموده‌اند؛ از جمله این روایات، صحیح زراره از امام باقر (ع) است که می‌گوید: «قُلْتُ لَهَا الْمَرْأَةُ تَوُمُّ النِّسَاءَ - قَالَ لَا إِلَّا عَلَى الْمَيِّتِ - إِذَا لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَوْلَى مِنْهَا - تَقُومُ وَسَطَهُنَّ مَعَهُنَّ فِي الصَّفِّ فَتَكْبِرُ وَ يُكَبِّرُنَّ.» [۲۲، ج ۸، ص ۳۳۴]؛ ولی به نظر می‌رسد دلالت روایات معارضی که صحت امامت زن برای زنان را اثبات می‌کنند، قوی‌تر است و در نتیجه، روایاتی که مدلول ظاهری آنها عدم جواز است، باید حمل بر کراهت شوند، که شماری از فقها این شیوه حل تعارض بین روایات مزبور را برگزیده‌اند. [۳۷، ج ۲، ص ۶۸۰]

بنابراین همان‌گونه که مشهور فقها فتوا داده‌اند، زن می‌تواند امامت نماز جماعت زنان را به عهده گیرد. قائلان به این نظریه به روایات متعددی استناد کرده‌اند؛ مانند صحیح علی بن جعفر [۹، همان، ص ۳۳۵] که درباره حد بلند کردن صدای زن به هنگام امامت زنان سؤال می‌کند. حضرت می‌فرماید: به اندازه‌ای که صدای او شنیده شود.

ولی طبق احکام فقهی، زن نمی‌تواند امام جماعت برای مردان باشد و حال آن‌که مرد می‌تواند امام جماعت برای زنان باشد و این مطلب مناسب و متلائم با سایر مسائل و احکام اسلامی است که نگاه کردن مرد نامحرم به زن نامحرم را - ولو از پشت سر - صحیح نمی‌داند و اسلام برای حفظ ارزش‌های اخلاقی و رعایت عفاف و جلب توجه نکردن جنبه‌های زنانه و جلوگیری از انحراف افکار، ترجیح می‌دهد که زنان پشت سر

مردها باشند. به همین جهت فقها می‌فرمایند؛ در نماز جماعت اگر تعدادی زن و مرد هستند، مستحب است مردها پشت سر امام و زن‌ها پشت سر آنها بایستند و اگر یک مرد و یک یا چند زن باشند، مستحب است مرد طرف راست امام، و زن یا زن‌ها پشت سر امام بایستند. فقها به روایتی در این زمینه استناد کرده‌اند که راوی می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم درباره مردی که با یک مرد و جمعی زنان نماز (جماعت) می‌خواند؛ حضرت فرمودند: مرد در کنار امام بایستد و زنان پشت سر آنها بایستند. [۹، ج ۸، ص ۳۳۲]

همچنین رجحان و تأکید بر اسماع و شنواندن صدای امام جماعت به مأمومین در نمازهای چهارگانه «که در جای خود ثابت می‌باشد»، در مورد زنان قطعاً مانوس به ذهن نبوده و مسلماً شارع به چنین کاری برای زنان راضی نیست.

۴-۱-۱۰-۲- جواز وجود حائل بین صف مأمومین زن در نماز جماعت

در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی‌شود فاصله نباشد و هم چنین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است، ولی در مورد زنان و به لحاظ تحفظ، اجازه داده شده است، مأمومین زن در هنگام برگزاری نماز جماعت به وسیله پرده یا دیوار از دیگر مأمومین و امام جدا شوند، در عین اینکه در صورت رعایت فاصله مقرر، این جدایی و حائل مانع از اتصال صفوف نگردد. این مسأله تقریباً در حد اجماعی و بلاخلاف است. [۳۵، ج ۱۳، ص ۱۶۵]؛ بنابراین، مسأله جواز حائل بین مأمومین زن و امام جماعت و بین مأمومین زن با مأمومین مرد، بیانگر این است که حفظ حریم بین زن و مرد نامحرم، آن چنان اهمیت دارد که فقها آن را برای زنان بدون اشکال می‌دانند ولی وجود حائل در بین صف مأمومین مرد، باعث تبدیل شدن نماز به فرادی می‌شود و برخی آن را موجب بطلان نماز می‌دانند.

۵- مسائل باب روزه

۵-۱- تأثیر روزه بر حفظ عفاف و پاک‌دامنی افراد جامعه

بدون تردید، کم‌خوری و به ویژه روزه گرفتن باعث سلامت تن و روان می‌شود و بهترین عامل برای فرو کاستن شهوت و تعدیل غریزه جنسی است. بنابراین میان عفاف و روزه رابطه مستقیم وجود دارد. پیامبر(ص) به جوانان توصیه می‌فرمود که: «... اگر نمی‌توانید اقدام به ازدواج کنید... به روزه‌داری روی بیاورید که عامل تضعیف سلطه

شهوت (و مایه تقویت تقوای درونی) شماسست.» [۳۶، ج ۱۴، ص ۱۵۳] در کلام فقها نیز آمده است که: یکی از روزه‌های مستحبی، روزه گرفتن هنگام غلبه شهوت است، در صورتی که دفع آن با حلال ممکن نیست.

۵-۲- تأثیر روزه بر عفت‌ورزی اعضاء و جوارح انسان

یکی از مباحثی که در باب روزه مطرح می‌شود، مبطلات روزه است؛ که روزه‌دار باید از اموری مانند: خوردن و آشامیدن، عمل زناشویی، استمناء و ...، امساک نماید. بدون تردید روزه، بهترین وسیله برای انسان‌سازی و تقویت اراده و اصلاح فردی و اجتماعی است؛ روزه کنترل‌کننده خواهش‌های نفسانی نیز است و در روح انسان نیروی بازدارنده از شر و نیروی اقدام به امور خیریه به وجود می‌آورد. همچنین روزه‌دار باید تمام اعضایش روزه بگیرد. روزه‌دار همانطور که از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها خودداری می‌کند باید همه اعضاء بدن خود را در حال روزه نگه دارد. بنابراین انسان روزه‌دار علاوه بر خودداری از خوردن و آشامیدن و سایر مبطلات روزه، باید از بی‌عفتی اعضاء و جوارح خودش نیز کوشا باشد و مراقبت نماید؛ به این معنا که، چشم را از نگاه‌های حرام باز دارد، زبانش را از غیبت و سخنان زشت و ناپسند حفظ نموده، و گوش و سایر اعضاء و جوارح خودش را از حرام حفظ نماید.

۵-۳- روزه استحبابی زن شوهردار

در برخی از متون فقهی آمده است که؛ زن نباید بدون اذن شوهر، روزه مستحبی بگیرد و اگر بدون اذن شوهر روزه بگیرد، روزه‌اش مکروه است [و ثوابش کمتر است]. در صورتی که مرد، زن را از روزه مستحبی نهی کند، روزه‌اش صحیح نیست. مستند کلام فقها در مورد روزه استحبابی زن شوهردار، چندین روایت است که در آنها بر مشروط بودن روزه زن به اذن شوهر تأکید شده است؛ که عبارت «لَا تَصُومُ الْمَرْأَةُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا» [۹، ج ۱۰، ص ۵۲۷-۵۳۱] مضمون مشترک این روایات است. به نظر می‌رسد، حکمت این مسأله این است که؛ روزه استحبابی زن، با حق جنسی شوهر - که موجب حفظ سلامت اخلاقی او است - منافات دارد. حق جنسی که در اصطلاح فقها از آن به عنوان حق تمکین یاد می‌شود، به این معناست که زن باید امکان بهره‌گیری جنسی را برای شوهرش بدون هیچ‌گونه محدودیت زمانی یا مکانی فراهم کند که این پیش‌بینی و

نحوه پاسخدهی به نیاز طبیعی انسان، نقش وافری در پیشگیری از ارتکاب فساد و حفظ سلامت جامعه دارد؛ که به نظر می‌رسد ارتباط این مسأله با مبحث و اصل عفاف روشن باشد.

۶- مسائل باب حج

در کتاب حج احکامی وجود دارد که در آنها نیز بین زن و مرد تفاوت وجود دارد و چون انجام حج با تمام آدابی که برای آن تعیین شده، تکلیف نسبتاً سنگین و پر زحمتی است و لذا شارع مقدس در برخی از این احکام (چه در احرام، چه در لباس آن؛ چه در تضلیل و چه در کوچ کردن از مشعر و ...)، تسهیلاتی را برای زنان قرار داده است که برخی از این احکام با عفاف مرتبط هستند، که ذیلاً بدون شرح و بسط به آنها اشاره می‌شود: زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو هست مُحرم شود. برخلاف مردان از لباس دوخته شده استفاده کند، در حال احرام کفش بپوشد [۳۵، ج ۱۸، ص ۳۵۱] تلبیه را آهسته بگوید، [۹، ج ۱۲، ص ۳۷۹] و از هروله کردن نیز معاف است. [همان، ص ۱۳، ج ۵۰۲].

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

از مجموع مباحث مطرح شده در این پژوهش، نتایج زیر به دست می‌آید.

- ۱- واژه‌ی «عَفَاف» مصدر ماده‌ی «عَفَّ» است که در لغت به معنای «خودداری کردن و خویشنداری» آمده است. معنای آن از واژه‌های حیاء و حجاب متمایز است؛ «عفاف»، یک حالت بازدارنده درونی است که آثار و نتایج آن، در خودداری از کارهای زشت و قبیح ظاهر می‌شود. همانطور که عفاف مانع انجام کارهای زشت و قبیح می‌شود، حیاء نیز مانع انجام کارهای قبیح و ناپسند می‌شود و آثار آن در اقوال و رفتار انسان ظاهر می‌شود. و تمایز آن از حیاء به این صورت است که، عامل بازدارنده در عفاف درونی و نفسانی است اما در مورد حیا غالباً عامل بازدارنده، عامل بیرونی (شاهد و ناظری که وجود دارد) موجب حیا می‌شود. از مقایسه دو واژه‌ی حجاب و عفاف، معلوم می‌شود که هر دو در اصل معنای منع و جدایی مشترک‌اند. با این تفاوت که منع و بازدارندگی در حجاب، مربوط به ظاهر است؛ ولی در عفت، مربوط به باطن و برخاسته از درون است.
- ۲- یکی از ویژگی‌های احکام و قوانین الهی آن است که اصول و فضایل متعددی همچون، عدالت، کرامت، نفی ضرر و حرج، و... حاکم بر احکام و قوانین بوده و در آنها به صورت ذاتی نهادینه شده است. در این میان یکی از مهمترین اصول و فضایل که در

آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته، اصل عفت و پاکدامنی است. نسبت عفاف با احکام شرعی از سه صورت بشرط‌لا، لا بشرط و بشرط شیء، خارج نیست. با تتبع در کلیه ابواب فقهی و احکام شرعی، در موضوعات مختلف مانند: طهارت، نماز، حج، نکاح، طلاق و حدود و...، موردی از بشرط‌لا و یا عدم لزوم رعایت عفاف، یافت نشد. از طرف دیگر مصادیق متعددی از جلوه‌های عفاف در ابواب مختلف فقهی از جمله عبادی یافت می‌شوند؛ به گونه‌ای که رعایت اصل عفاف در آنها اخذ شده است و غالباً این موارد را می‌توان در احکامی که بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، یافت. در برخی از احکام شرعی هم، هر چند جلوه‌ای از عفاف در آنها دیده نمی‌شود، ولی به معنای عدم ضرورت عفاف در آنها نیست.

۳- با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان به اهمیت عفاف در جامعه و لزوم رعایت و ترویج آن پی‌برد. از مهم‌ترین روش‌های ترویج و تثبیت عفاف در جامعه، فراهم نمودن مقدمات و زمینه‌های ازدواج است. به همین خاطر اسلام برای جلوگیری از فساد، تشویق فراوان به ازدواج بهنگام، آسان، آگاهانه و پایدار و تشکیل خانواده کرده است. همچنین به بزرگان و آبرومندان نیز سفارش شده است که در مسیر تشکیل خانواده برای افراد مجرد، تلاش نمایند. بنابراین شایسته است مسئولان و خانواده‌ها، با پرهیز از مسائل غیرضروری، زمینه ازدواج جوانان را فراهم نموده و با فرهنگ‌سازی جدید، نسبت به کاهش هزینه‌های ازدواج اقدام کنند.

۴- در تبیین راهکارهای ارتقای عفاف، به نظر می‌رسد آنچه که در مرحله اول متون دینی بر آن تأکید دارد، کنترل درونی افراد است؛ به این معنا که اموری مانند: ارتقای ایمان و آگاهی، تقویت باورهای دینی و مذهبی، تقویت فرهنگ نماز و روزه، بزرگترین مانع در مقابل مفسد اخلاقی محسوب می‌شوند. بنابراین، مسئولان و متولیان امور فرهنگی و آموزش و پرورش و والدین، باید در زمینه ارتقای معنویت و تقویت باورهای دینی و مذهبی و تقویت فرهنگ نماز و روزه به صورت گسترده تلاش کنند.

۵- در مرحله دوم برای عفت‌ورزی، در متون دینی، از طریق کنترل عوامل بیرونی تأکید شده است. به این معنا که اموری مانند: کنترل نگاه و سایر اعضاء و جوارح، پرهیز از خلوت با نامحرم، ازدواج به موقع، اجرای حدود و مقررات شرعی تعیین شده در باب جرایم جنسی، مبارزه با زمینه‌های بی‌عفتی و مهیج شهوت و... موجب ارتقای عفاف و پاکدامنی افراد در جامعه می‌شود. بنابراین علاوه بر اینکه زن و مرد مسلمان، باید حدود

شرعی را در مواجهه‌ی با نامحرمان رعایت کنند، مسئولان و متولیان امور در عرصه‌های مختلف، باید برای ارتقای عفاف و جلوگیری از فساد در جامعه، قوانین و مقرراتی همسو با تعالیم دینی وضع نموده و اجرا نمایند.

۶- با الگوگیری از تشریح الهی، قانونگذاران در کشور می‌توانند در هنگام تصویب سیاست‌ها، قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، به اصل عفاف و رعایت آن در عرصه‌های مختلف به صورت نهادینه شده، اقدام نمایند.

منابع

- [۱]. قرآن کریم
- [۲]. نهج البلاغه
- [۳]. آمدی، عبد الواحد، (۱۳۸۰ش) *غررالحکم و درر الکلم*، انتشارات امام عصر (عج).
- [۴]. ابن فارس، احمد، (بی تا) *معجم مقاییس اللغة*، دارالکتب العلمیة الايران، قم.
- [۵]. ابن منظور، جمال‌الدین محمد، (۱۴۰۸ق) *لسان العرب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- [۶]. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق) *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول.
- [۷]. حائری، سیدعلی بن محمد طباطبایی، (۱۴۱۸ق) *ریاض المسائل*، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، اول.
- [۸]. حرانی، حسن بن شعبه، (۱۳۶۶ش) *تحف العقول عن آل الرسول*، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- [۹]. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۱ش) *وسائل الشیعه*، کتابچی، تهران.
- [۱۰]. حلی، محمد بن منصور [ابن ادريس] (۱۴۱۰ق) *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم.
- [۱۱]. حلی، محمد بن حسن [فخر المحققین]، (۱۳۸۷ق) *إيضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ اول.
- [۱۲]. حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن [محقق]، (۱۴۱۹ق) *المختصر النافع فی فقه الإمامیة*، مؤسسه المطبوعات الدینیة، قم، چاپ ششم.
- [۱۳]. _____، (۱۴۰۸ق) *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
- [۱۴]. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ق) *الجامع للشرائع*، مؤسسه سید الشهداء العلمیة، قم، چاپ اول.
- [۱۵]. خوانساری، سیداحمد بن یوسف، (۱۴۰۵ق) *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
- [۱۶]. خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق) *منهاج الصالحین*، مدینه العلم، قم، بیست و هشتم.
- [۱۷]. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳ش) *لغت‌نامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- [۱۸]. طباطبایی، سیدمحسن [حکیم]، (۱۴۱۶ ق) مستمسک العروة الوثقی، مؤسسة دارالتفسیر، قم، چاپ اول.
- [۱۹]. طریحی، فخر الدین، (۱۳۹۵ ق) مجمع البحرین، مکتبه المرتضویه، تهران، چاپ دوم.
- [۲۰]. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق) تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
- [۲۱]. _____، (۱۳۸۷ق) المبسوط فی فقه الإمامیة، المکتبه المرتضویه، تهران، چاپ سوم.
- [۲۲]. عاملی، زین الدین بن علی [شهید ثانی]، (۱۴۱۰ق) الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.
- [۲۳]. عاملی، سیدجواد بن محمد حسینی، (۱۴۱۹ق) مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
- [۲۴]. قمی، محمد بن علی بن بابویه [صدوق]، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
- [۲۵]. _____، علل الشرائع، (۱۳۸۶ ق)، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.
- [۲۶]. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، (۱۳۶۵ ش) دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- [۲۷]. کاشانی، محمد محسن [فیض]، (بی تا)، مفاتیح الشرائع، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.
- [۲۸]. کرکی، علی بن حسین [محقق ثانی]، (۱۴۱۴ ق) جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم.
- [۲۹]. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق) بحار الانوار، مؤسسه الوفا، بیروت.
- [۳۰]. معین، محمد، (۱۳۶۲ ش) فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- [۳۱]. المقرئ الفیومی، (بی تا) احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، المکتبه العلمیه، بیروت.
- [۳۲]. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸ ق) احکام بانوان، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ یازدهم.
- [۳۳]. موسوی خمینی، سیدروح الله، [امام]، (بی تا) تحریر الوسیله، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
- [۳۴]. _____ استفتاءات [امام خمینی]، (۱۴۲۲ ق) دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم.
- [۳۵]. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- [۳۶]. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ق) مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول.
- [۳۷]. همدانی، آغارضا، (بی تا) مصباح الفقیه، مکتبه الصدر، بی جا.
- [۳۸]. یزدی، سیدمحمد کاظم طباطبایی، (۱۳۷۶ ش)، العروة الوثقی، انتشارات دارالتفسیر، قم، چاپ چهارم.

